

گزارش بازدید از یک مدرسه ژاپن

گزارش بازدید از یک مدرسه ژاپن

به نوشته: kgams4.blog.ir



چندسال پیش موفق به بازدید از یک مدرسه ژاپنی شدم. در بدو ورود آن چه برایم جالب بود آوای خوش و آرام زنگ پایان ساعت کلاس بود، صدای ((دینگ دانگ)) که با شنیدن آن دانش آموزان به آرامی از کلاس های خود خارج شدند (درست بر خلاف بعضی مدارس در ایران که دانش آموزان با شنیدن صدای دلخراش زنگ با نعره های عجیب و غریب یکدیگر را هل می دهند و از کلاس خارج می شوند!)

من به اتفاق راهنما از کلیه کلاس ها بازدید کردم، نکته ی قابل توجه این بود که بر خلاف مدارس ایرانی که با تغییر ساعت کلاس ها، آموزگاران به کلاس دیگر می روند، در مدرسه ی ژاپنی این دانش آموزان بودند که به کلاس آموزگاران می رفتند؛ به عنوان مثال، دانش آموزان کلاس اول و دوم، که با هم در ساعت دوم برنامه ی درسی خود، نقاشی داشتند؛ به اتفاق به کلاس نقاشی آمده بودند. در کلاس نقاشی میز بزرگی در وسط اتاق به چشم می خورد که صندلی ها در اطراف آن چیده شده بودند. بر روی دیوارهای کلاس قفسه های چوبی قرار داشت که

انواع وسایل نقاشی مثل ماژیک، مداد رنگی، آبرنگ و انواع مقوا و... جهت استفاده ی دانش آموزان به چشم می خورد. معلم نقاشی آن روز موضوع ((بازیافت زباله)) را برای نقاشی دانش آموزان تعیین نموده بود و دانش آموزان هر یک با لوازم دلخواه خود و بهره گیری از خلاقیت فردی مشغول نقاشی بودند.

در کلاس زبان عربی دانش آموزان کلاس چهارم به آن کلاس آمده بودند. در و دیوار کلاس پر از تصاویر و کلید واژه های عربی بود و مشاهده ی دانش آموزی که با لهجه ی ژاپنی، عربی صحبت می کردند برایمان جالب بود.

نکته ی قابل توجه دیگر این بود که در هر کلاس دانش آموزان از حیوانی نگهداری می کردند، مثل لاک پشت، ماهی، خرچنگ و...، اما کلاسی که بیش از همه جلب توجه می کرد، کلاس مهارت زندگی بود. در یک طرف این کلاس تعدادی میز و چرخ خیاطی و اتو و... به چشم می خورد و در طرف دیگر که فضایی شبیه آشپزخانه بود، کابینت، ظرفشویی و گاز خوراک پزی و... قرار داشت. دانش آموزان دختر و پسر در این کلاس مهارت های آشپزی، خیاطی، شستن ظرف و... را می آموختند. پس از بازدید از کلاس ها در دفتر مدرسه جلسه ای تشکیل شد تا به پرسش و پاسخ پردازیم. بعد از ورود به دفتر آموزشگاه، یک صندلی چرخ دار در گوشه ی دفتر، این سوال را برایم به وجود آورد که کدام یک از کارکنان مدرسه مشکل جسمی دارند؟ البته، در مورد پاسخ این سوال در آخر جلسه مدیر مدرسه، شرح دادند که : ((دانش آموزان مدرسه هر هفته یک روز به نوبت باید از لحظه ی ورود به مدرسه تا زمان خروج، بر روی صندلی چرخ دار بنشینند و روز بعد احساس خود را به صورت انشاء نوشته و برای سایر دانش آموزان بیان نمایند. به این ترتیب بچه ها یاد می گیرند که قدر سلامتی خود را بدانند و هم با مشاهده ی یک معلول جسمی او را تحقیر و تمسخر نکنند)). با خود فکر کردم که اگر ما نیز تا این حد به فکر پرورش علمی و کاربردی اخلاق دانش آموزانمان بودیم، آیا جانبازان بزرگوار در جامعه ما این قدر مظلوم واقع می شدند؟

از مدیر مدرسه سوال شد؛ شما دانش آموزان خوب را چگونه تشویق می کنید؟ مدیر مدرسه متوجه منظور ما نشد و با کنجکاوی به چهره مترجم نگاه کرد. مترجم توضیح داد که به دانش آموزی که نمرات خوب دارد چه جایزه می دهید؟

با این که ژاپنی ها بسیار دیر می خندند و بسیار جدی می باشند اما

با شنیدن این سوال چهره مدیر تغییر کرد و خندید! بعد با تعجب پرسید ((مگر برای اینکه دانش آموزی درس خوانده است، باید به او جایزه داد؟!)) این پرسش ما را متوجه ساخت که رویکرد معلمان ژاپنی و معلمان ایرانی در این زمینه چقدر متفاوت است! مترجم سوال کرد)) پس چه تفاوتی بین دانش آموزان درس خوان و موفق، با دانش آموزانی که در دروس خود موفق نیستند، قائل می شوید؟

مدیر مدرسه که دوباره چهره ی جدی به خود گرفته بود، پاسخ داد: ((ما به دانش آموزان موفق تکلیف بیشتری می دهیم)) . این بار، نوبت ما معلمان ایرانی بود که بخندیم! چرا که در مدارس ما مرسوم است که دانش آموزان ضعیف تکلیف بیشتری بنویسد! وقتی مدیر محترم متوجهی تعجب و خنده ی ما شد ؛ توضیح داد که: دانش آموزان ژاپنی برای ورود به دبیرستان آزمون دشواری را پیش رو دارند لذا، دانش آموزی که تکلیف بیشتری از آموزگار خود دریافت می کند، خوشحال است و می داند که برای آزمون ورودی دبیرستان می تواند خود را آماده تر نماید، بنابراین تکلیف بیشتر بهترین پاداش برای دانش آموز موفق است.)) توضیح آقای مدیر به قدری قانع کننده بود که همه ی ما را به فکر فرو برد!))

در مورد تشویق معلمان هم متوجه شدیم که به همین روش عمل می شود و به آموزگاران موفق، پروژه های تحقیقاتی محول می شود. پس از رزنگ پایان مدرسه، همه ی ما شاهد آن بودیم که دانش آموزان به جای آن که مثل دانش آموزان ایرانی با عجله از مدرسه خارج شوند و حتی بعضی وسایل خود را نیز جا بگذارند، همه با هم کلاس ها و مدرسه ی خود را تمیز و پاکیزه کردند و بعد از مدرسه خارج شدند. در واقع دانش آموزان ژاپنی هر روز با ورود به مدرسه، مدرسه ای پاکیزه و تمیز تحویل می دهند و حس مسوولیت پذیری را از همان دوران مدرسه می آموزند.

تفاوت قابل توجه دیگر مدارس ژاپنی با مدارس ایرانی، در انتخاب مدیر مدرسه بود، مدیران مدارس بعد از 30 سال تدریس، اگر در آزمون مدیران پذیرفته شوند، شایستگی خود را برای احراز پست مدیریت مدرسه به اثبات می رسانند و جالب است که اکثر مدیران در سال اول آزمون مدیریت موفق نمی شوند و بسیاری از ایشان پس از 32 یا 33 یا حتی 37 سالگی، بالاخره در آزمون پذیرفته می شوند و خلاصه این که با دنیایی از تجربه و مهارت، در حالی که در مدارس ایرانی هر کس 30 سال تجربه ی مفید کسب نموده است، باید خانه نشین شود و طعم بازنشستگی را بچشد!